فاطمه(س) شخصیتی چند بُعدی

فضایل و کرامات زهرای اطهر در رهنمودهای رهبر انقلاب

چرا صدّیقه کبری؟

«ارزش فاطمه زهرا(س) به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه زهرا(س) نبود، او صدیقه کبری نبود. صدّیق یعنی چه؟ صدّیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می‌شود صدّیق؛ «اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین». (نسا/۶۹) «صدّیقین» پشت‌سر «نبیین»اند. این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی‌کرد، صدّیقه کبری نمی‌شد. اساس، بندگی خداست.»(۱۳۸۴/۰۵/۰۵)

مادر ائمه

«یک جنبه دیگر، نسل مبارک این بزرگوار است که تطبیق سوره کوثر با فاطمه زهرا(س) - اگر در آثار حدیثی ما هم نیامده باشد- یک تطبیق مصداقی درست است؛ این همه برکات بر خاندان پیغمبر، بر یکایک ائمه هدی(علیهم‌السّلام)! عالم پُر است از نغمه‌های دلنواز فردی و اجتماعی و دنیائی و اخروی که از این حنجره‌های پاک برخاسته؛ حسین بن علی، زینب کبری، امام حسن مجتبی، امام صادق، امام سجاد؛ هرکدام از ائمه. ببینید چه غوغائی است در عالم معرفت، در عالم معنویت، در بزرگراه هدایت از کلمات این بزرگواران و درس‌های آنها و معارف آنها! این نسل فاطمه زهراست.» (۱۳۸۶/۰۴/۱۴)

دفاع از اسلام، امامت و ولایت

«جهاد آن بزرگوار در میدان‌های مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام؛ در دفاع از امامت و ولایت؛ در حمایت از پیغمبر؛ در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام، یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود.» (۱۳۷۱/۰۹/۲۵)

مصداق کوثر

«وقتی که پسران نبیّ اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مکه یکی پس از دیگری از دنیا رفتند، دشمنان شماتت‌گر اسلام و پیامبر- که ارزش‌هایشان منحصر در مال و ثروت و فرزند و جاه و جلال دنیایی بود- پیامبر را شماتت کردند و گفتند تو ابتر هستی- یعنی بی‌دنباله- و با مرگ تو، همه چیز از آثار و نشانه‌های وجود تو تمام خواهد شد! خداوند متعال سوره کوثر را بر پیامبر نازل کرد، تا هم قلب پیامبر را تسلّی دهد، هم حقیقتی را برای آن بزرگوار و برای مسلمانان روشن کند؛ لذا فرمود: «انّا اعطیناک الکوثر»؛ ما به تو کوثر بخشیدیم؛ آن حقیقت عظیم و کثیر و فزاینده.

مصداق کوثر برای نبیّ اکرم، چیزهای گوناگون است. یکی از برجسته‌ترین مصادیق کوثر، وجود مقدّس فاطمه زهراست که خداوند متعال در این وجود مبارک، دنباله معنوی و مادّی پیامبر را قرار داد.»(۱۳۷۸/۰۷/۰۹)

مرکز فیض‌های الهی

«امتحنک الله الّذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابره». خدای متعال، زهرای اطهر- این بنده برگزیده- را آزمود. دستگاه خدای متعال، دستگاه حساب و کتاب است؛ آنچه می‌بخشد، با حساب و کتاب می‌بخشد. او، گذشت و ایثار و معرفت و فدا شدن این بنده خاص خود را در راه اهداف الهی می‌داند؛ لذا او را مرکز فیوضات خود قرار می‌دهد.» (۱۳۷۰/۱۰/۰۵)

ایثار نسبت به فقرا و کمک به محرومان

«مگر نمی‌گوییم که آن بزرگوار کاری کرد که سوره دهر درباره او و شوهر و فرزندانش نازل شد؟ ایثار نسبت به فقرا و کمک به محرومان، به قیمت گرسنگی کشیدن خود؛ «و یؤثرون علی انفسهم ولو کان به هم خصاصه». ما هم باید همین کارها را بکنیم.

این نمی‌شود که ما دم از محبت فاطمه زهرا(س) بزنیم، در حالی که آن بزرگوار برای خاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش- مثل حسن و حسین(ع) و پدر بزرگوارشان(ع)- برید و به آن فقیر داد؛ نه یک روز، نه دو روز؛ سه روز! ما می‌گوییم پیرو چنین کسی هستیم؛ ولی ما نه فقط نان را از گلوی خود نمی‌بُریم که به فقرا بدهیم، اگر بتوانیم، نان را از گلوی فقرا هم می‌بُریم!»(۱۳۷۰/۱۰/۰۵)

در زندگی معمولی این بزرگوار، یک نکته مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک طرف و بین وظایف یک انسان مجاهد غیور خستگی‌ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم(ص) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضع‌گیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زند و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی‌ناپذیر و محنت‌پذیر و سختی تحمل‌کن است، از طرف دیگر. از جهت سوم، یک عبادتگر و به‌پادارنده نماز در شب‌های تار و قیام‌کننده لله و خاضع و خاشع برای پروردگار است. این سه بُعد را با هم جمع کردن نقطه درخشان زندگی فاطمه زهرا(س) است. آن حضرت، این سه جهت را از هم جدا نکرد.

اهمیت الگوپذیری

نیاز به الگو از نیازهای طبیعی بشر است و انسان را وا می‌دارد تا با در نظر داشتن الگوی مورد نظر، تلاشی هدفمند و آگاهانه را برای رسیدن به ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی الگو در پیش گیرد. یکی از مهترین اصول موفقیت، انتخاب الگوی صحیح است.

قرآن کریم، رسول مکرم اسلام(ص) را الگو و اسوه‌ای حسنه برای مسلمانان معرفی کرده است و از آنجا که رسول خدا بارها در جمع مسلمین فرمودند: «فاطمه(س) پاره تن من است»، لذا وجود فاطمه از وجود رسول خدا(ص) جدا نیست و سیره ایشان را می‌توان جلوهٔ دیگری از راه و سیره رسول خدا(ص) در همه زمینه‌ها قلمداد کرد.

امام زمان«عج» وجود مقدس حضرت فاطمه(س) را اسوه نیکویی برای خویش دانسته و فرموده‌اند: «وَ فی ابنَهِ رَسولِ الله لِی اُسوَهٌ حَسَنَهٌ»[1]؛ همانا دختر رسول خدا(ص) برای من الگویی شایسته است.

و امام باقر(ع) در عظمت حضرت فاطمه(س) فرمودند: «اطاعت فاطمه(س) بر تمام بندگان الهی از جن و انس، پرندگان و حیوانات، پیامبران و ملائکه واجب است.»[2] زندگی پر برکت و در عین حال کوتاه حضرت فاطمه(س) درس‌های بسیار ارزشمندی در عرصهٔ خدامحوری، خانواده، همسرداری، تربیت فرزندان و زهد و ساده‌زیستی برای زنان مسلمان دارد و می‌توان با تمسک به این ویژگی‌ها راه سعادت و خوشبختی را طی کرد. بدیهی است که با پیشرفت‌ها و تحولات عصر حاضر و گسترش وسایل رفاهی و سطح زندگی، اسوه‌پذیری از آن حضرت به‌ویژه در زمینه زهد و ساده‌زیستی بسیار دشوار و بعضاً غیرممکن است. رهبر معظم انقلاب در تعبیری زیبا از زندگی امیرمؤمنان(ع) می‌فرمایند: «...برای ما نه قابل عمل است و نه حتی قابل درک. ما نمی‌توانیم آن‌گونه زندگی کنیم. پرتوی از آن عدالت و زهد را شاید بتوانیم داشته باشیم؛ امّا رنگ ما باید همان رنگ باشد؛ ولو کم‌رنگ. روش ما باید همان روش باشد؛ ولو رقیق. در جهت عکس او که نباید حرکت کنیم.»[3]

در عین‌حال رفتارهایی هم در سیره حضرت فاطمه(س) وجود دارند که می‌توان عیناً اقتباس و تقلید کرد، مانند احترام به همسر و فرزندان و یا نداشتن تقاضای نامقدور از همسر و مهرورزی به خانواده. امروزه با بالا رفتن آمار درگیری‌های خانوادگی و طلاق، ارزش این موارد بیش از بیش روشن و نمایان است.

خدامحوری فاطمه(س)

ارزشمندترین باور دینی، ایمان قلبی به خدای یکتاست. اعتقاد به توحید و خدامحوری موجب هدفمندی و معنی‌دار بودن نگرش انسان به زندگی می‌شود و رفتارهای او را در جهت تسلیم و رضای خداوند سوق می‌دهد. هر فردی به اندازه معرفت و بندگی خود در برابر خداوند، رفتارش را جهت‌دهی می‌کند و سامان می‌دهد. فاطمه(س) خدامحوری را به صورت تمام و کمال اجرا می‌کرد و همواره جلب رضایت خداوند را بر خواسته خود مقدم می‌شمرد و مکرر در دعاهای روزانه خود می‌فرمود: «اَللّهُمّ اِنّی اَسْئَلُکَ بما تُحِبّ وَ تَرْضی[4]؛ آنچه دوست می‌داری به ما عطا بفرما» ایشان این اصل مهم را محور همهٔ امور زندگی خود قرار داده بود و در اوج علاقه به همسر و فرزندان، همچنان جلب محبت و رضای خدا را می‌طلبید و در مناجاتش می‌گفت: «یا رَبِّ لَیسَتْ مِن اَحَد غَیرَک تُثلِج بِها صَدری و تُسَرّبِها نَفسی و تُقَرّبُها عَینی[5]؛ خداوندا، احدی به جز تو سینه‌ام را خنک و نفسم را مسرور نمی‌کند و هیچ کسی جز تو چشم مرا روشنی نمی‌دهد.»

ازدواج فاطمه(س)

زمانی که حضرت فاطمه(س) به سن ازدواج رسید، افراد مختلفی از بزرگان عرب برای خواستگاری آن‌حضرت نزد رسول خدا(ص) آمدند، ولی پیامبر اکرم(ص) صراحتاً به همهٔ آنان جواب منفی داد. اما زمانی که حضرت علی(ع) در عین تهیدستی و در حالی که از مال دنیا چیزی نداشت به خواستگاری حضرت فاطمه نزد رسول خدا رفت، ایشان فرمودند:

پس از انتشار خبر موافقت حضرت فاطمه(س) برای ازدواج با حضرت علی(ع) که از مال دنیا چیزی نداشت، زنان قریش آن حضرت را مورد شماتت و طعنه قرار دادند، ولی فاطمه(س) هرگز خم به ابرو نیاورد و تنها سر به آسمان بلند کرد و فرمود: «راضی شدم به آنچه خدا و رسول خدا(ص) به آن راضی شدند.»

«لو لا أنّ الله خلق فاطمه لعلی ما کان لها علی وجه الأرض کفو[6]؛ اگر این نبود که خداوند علی(ع) را برای فاطمه آفریده است، در روی زمین کفو و همتایی برای او پیدا نمی‌شد.» و آن‌هنگام که پیامبر(ص)، خواستگاری حضرت علی(ع) را با دختر خویش در میان گذاشت، آن حضرت سر به زیر افکند و سکوت کرد، رسول خدا(ص) دریافت که فاطمه(س) با این ازدواج موافق است. در روایات آمده است که فاطمه(س) رضایت خود را این‌گونه اعلام فرمود: «رَضیتُ بِما رَضِی اللهُ لی وَ رَسُولُهُ[7]؛ من به آنچه که خدا و رسولش راضی و خشنودند راضی هستم.»

صبوری و ایثار

پس از انتشار خبر موافقت حضرت فاطمه(س) برای ازدواج با حضرت علی(ع) که از مال دنیا چیزی نداشت، زنان قریش آن حضرت را مورد شماتت و طعنه قرار دادند، ولی فاطمه(س) هرگز خم به ابرو نیاورد و تنها سر به آسمان بلند کرد و فرمود: «رَضیتُ بِما رَضِی اللهُ لی وَ رَسُولُهُ: راضی شدم به آنچه خدا و رسول خدا(ص) به آن راضی شدند.» برای فاطمه(س) در حسن معاشرت با همسری چون حضرت علی(ع) نیز جلب رضایت خدای رحمان مقدم بود. روزی که علی(ع) از وی پرسید که چرا از رنج گرسنگی و بی‌غذا ماندن خانه، وی را خبردار نکرده است، فاطمه(س) در پاسخ فرمود: «یا أباالحَسَن! إنّی لأَستَحیی مِن إلهی أن اُکَلِّفَ نَفسَکَ مالاتَقدِرُ عَلَیه[8]: ای اباالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نباشی.» در روایات است که فاطمه(س) زمانی به ازدواج با امام علی(ع) پاسخ مثبت داد که علی(ع) هیچ سرمایه‌ای نداشت و تنها دارایی آن حضرت یک زره بود که آن هم صرف تهیه وسایل ضروری زندگی مشترکشان شد که عبارت بود از: حصیر، لیوان، گلیم، کوزه، آسیاب‌دستی، مشک، پوست گوسفند، پرده و...[9]

سیرهٔ همسرداری

برقراری روابط محبت‌آمیز میان زوجین و عشق و محبت توأم با احترام به همسر، نقش مهمی در استحکام خانواده و حسن رابطه و سازگاری زن و شوهر دارد. پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «وقتی مرد به زن خود با محبت می‌نگرد و زن نیز به او با مهر می‌نگرد، خداوند به دیده رحمت به آنها نگاه می‌کند.»[10]

زندگی مشترک فاطمه(س) با علی(ع) سرشار از عبارات و کلمات محبت‌آمیز است. حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «أجملوا فی‌الخطاب تسمعوا جمیل الجواب[11] خطاب‌هایتان را زیبا کنید تا پاسخ زیبا بشنوید.» حضرت فاطمه(س) در مقام اظهار محبت و علاقه به همسرش علی(ع) می‌فرمود: «یا اباالحسن! رُوحی لروحِکَ الْفِداءُ و نَفسی لِنَفسِکَ[12]: علی‌جان! روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو.» گاهی او را با کنیهٔ اباالحسن و گاه او را پسرعمو خطاب می‌کرد. خانه ساده و محقر فاطمه(س) محل انس و آرامش علی(ع) بود و حضرت علی(ع) می‌فرمود: «وَلَقد کنتُ أنظُر إلیها فَتَنکَشِفُ عنّی الهمومَ والأحزان[13]

برای فاطمه(س) در حسن معاشرت با همسری چون حضرت علی(ع) جلب رضایت خدای رحمان مقدم بود. روزی که علی(ع) از وی پرسید که چرا از رنج گرسنگی و بی‌غذا ماندن خانه، وی را خبردار نکرده است، فاطمه(س) در پاسخ فرمود: «ای اباالحسن! من از خدای خود شرم می‌کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نباشی.»

زندگی مشترک فاطمه (س) با علی(ع) سرشار از عبارات و کلمات محبت‌آمیز است. حضرت فاطمه(س) در مقام اظهار محبت و علاقه به همسرش علی(ع) می‌فرمود: علی‌جان! روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو. گاهی او را با کنیهٔ اباالحسن و گاه او را پسرعمو خطاب می‌کرد. خانه ساده و محقر فاطمه(س) محل انس و آرامش علی(ع) بود و حضرت علی(ع) می‌فرمود: هرگاه به چهرهٔ فاطمه(س) می‌نگریستم تمام غم و اندوهم برطرف می‌شد.

سرمشق فاطمه(س) در زندگی مشترک، این کلام رسول خدا(ص) بود: «هر زنی با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی وادارد که قدرت و توان آن را ندارد، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند بر او خشمناک است.» حضرت علی(ع) نیز فرموده‌اند: «سوگند به خدا، من زهرا(س) را تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود برد، خشمگین نساختم و در هیچ‌کاری موجب ناخشنودی او نشدم. او نیز هیچ‌گاه مرا خشمگین نکرد و عملی از او سر نزد که باعث ناخشنودی من شود.»

تجسّم عالی‌ترین مفاهیم انسانی و اسلامی

«آن حضرت تجسّم عالی‌ترین مفاهیم انسانی و اسلامی در مورد زن است، که به اینها باید توجّه کرد؛ درس فاطمه زهرا بیشتر این موارد است. برخی از مفاهیم اسلامی مفاهیم اختصاصی است، مثل مادری، همسری، کدبانویی، تربیت فرزند؛ در همه اینها اوج قلّه تصوّر، حضرت فاطمه زهرا(س) است. در عرصه تربیت فرزند، در عرصه همکاری با شوهر، در عرصه‌های مشترک و در آن چیزهایی که بین زن و مرد مشترک است، مثل بندگی خدا، وضعیّت فاطمه زهرا(س) یک وضعیّت فوق‌العاده اعجاب‌انگیز و مهم است. امام حسن مجتبی(ع) می‌گوید شب جمعه تا صبح مادرم بیدار بود، عبادت می‌کرد، هر وقت صدای او را شنیدم، دیدم برای دیگران دارد دعا می‌کند؛ صبح گفتم مادر! برای دیگران دعا کردی، برای خودت دعا نکردی؛ فرمود: پسرم! الجارَ ثُمّ الدّار؛ این درس است. در قضیّه [نزول سوره] هل‌أتی[آمده است که] «اِنّما نُطعِمُکُم لِوَجهِ الله»؛ من این را به عنوان یک درس برای امّت اسلامی، برای جامعه اسلامی، برای جمهوری اسلامی تلقّی می‌کنم که کار با اخلاص انجام بگیرد. حسن بصری که از زهّاد ثمانیّه معروف است و با اهل‌بیت زاویه هم دارد، می‌گوید که «ما کان فی هذه الامّة اعبد من فاطمة کانت تقوم حتّی تورّم قدماها». معنای این تعبیر «ما کان اعبد من فاطمه» این نیست که شبیه او و به اندازه او تعدادی وجود داشتند؛ نه، در تعبیرات عربی معنایش این است که هیچ کس در امّت، مانند او نبود از لحاظ عبادت.

این را حسن بصری می گوید؛ حسن بصری دوران فاطمه زهرا را درک نکرده، امّا اینکه این‌طور قاطع این حرف را می‌زند نشان می‌دهد این جزو مسلّمات و متواتراتی بوده است که در آن زمان وجود داشته. اینکه وظیفه عبادت، بعد وظیفه امر به معروف و مجاهدت، یعنی حضور در آن میدان عجیبی که بنا بود سرنوشت امّت اسلام در آن میدان تعیین بشود و آن حضور طوفانی عجیب فاطمه زهرا با آن خطبه‌های عجیب. نقشه جامع هویّت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی‌سبیل‌الله، در عین حال کدبانو، مدیر خانه و در عین حال عابد و بنده خدای متعال و در نهایت، فاطمه زهرا(س) نشان داد که زن می‌تواند به رتبه عالی عصمت برسد که اینها خصوصیّات این بزرگوار است.» (۱۳۹۹/۱۱/۱۵)

نزول مکرر جبرئیل

«درباره عظمت شأن زهرای اطهر، صدّیقه طاهره(س) زبان ماها خیلی قاصر و ناقص است؛ قرآن و حدیث صحیح درباره این بزرگوار سخن دارد، مدیحه دارد که برای ذهن ما و فکر کوته ما فهم این مدیحه‌ها هم احتیاج به تأمّل و دقّت دارد. این روایت را که امام بزرگوار هم یک وقتی نقل کردند که جبرئیل بعد از وفات و رحلت پیغمبر بر حضرت زهرا می‌آمد و نازل می‌شد، روایت صحیحی است؛ به سند این روایت ما نگاه کردیم؛ سند معتبر و در نهایت اعتبار است و جای هیچ تردیدی نیست که جبرئیل می‌آمد. عبارت این است: وَ کانَ یَأتیها جَبرَئیلُ(ع) فَیُحسِنُ عَزاءَها عَلَی اَبیها؛ به زبان امروز ما، مرتّب می‌آمد به حضرت زهرا برای رحلت پیغمبر تسلیت می‌گفت؛ وَ یُطَیِّبُ نَفسَها؛ آرامش می‌داد به آن بزرگوار؛ وَ یُخبِرُها عَن اَبیها وَ مَکانِه؛ خبر می‌داد که پیغمبر در چه وضعی است، در چه حالی است؛ در عالم برزخ، در محضر حیّ ودود، مقامات عالی پیغمبر را نشان می‌داد و برای فاطمه زهرا(س) تصویر می‌کرد؛ وَ یُخبِرُها بِما یَکونُ بَعدَها فی ذُرّیّتِها؛ ماجراهای فرزندان حضرت را هم که در آینده پیش می‌آید- ماجرای امام حسن، ماجرای کربلا، ماجرای ائمّه(ع) و ماجرای حضرت ولیّ‌عصر(عج) را- برای حضرت نقل می‌کرد؛ وَ کَانَ عَلیّ(ع) یَکتُبُ ذَلِک؛ امیرالمؤمنین هم می‌نشست، اینها را می‌نوشت؛ این خیلی مسئله مهمّی است.

بنا به نقل قرآن، جبرئیل یک‌بار در طول تاریخ بر غیر پیغمبری نازل شده: اَرسَلنا اِلَیها روحَنا فَتَمَثّلَ لَها بَشَراً سَوِیّا؛ اگر مراد از روح- که البتّه این هم محلّ اختلاف است- در ماجرای حضرت مریم، جناب جبرئیل(ع) باشد، خدای متعال [فقط] یک‌بار بر [کسی] غیر پیغمبر جبرئیل را فرستاده؛ بقیّه ملائکه نازل شده‌اند و مکرّر اتّفاق افتاده که ملائکه آمده‌اند؛ [امّا] جبرئیل فقط یک‌بار؛ امّا برای حضرت زهرا: وَ کانَ یَأتیها جَبرَئیل؛ بحث یک‌بار و دوبار نیست، [بلکه] جبرئیل مرتّب می‌آمد و شرفیاب می‌شد خدمت حضرت زهرا(س).» (۱۴۰۰/۱۱/۰۳)

مدح در قرآن

«[مدح حضرت] در قرآن، در سوره «هل أتی» هست، در آیه تطهیر هست، در آیه مباهله هست. اینهائی که حالا تقریباً صریح است درباره حضرت زهرا(س) این آیات است، وَ الّا آیات دیگری هم هست که اشاره دارد به آن بزرگوار. اینکه در سوره «هل أتی» خدای متعال می‌پردازد به کار فاطمه زهرا(س) و خانواده‌اش، خیلی چیز مهمّی است؛ این یک پرچمی است که قرآن برمی‌افرازد، برافراشته می‌کند بر سر درِ خانه فاطمه زهرا(س): اِنّما نُطعِمُکُم لِوَجهِ اللهِ لا نُریدُ مِنکُم جَزاءً وَ لا شُکورا؛ کار برای خدا، اخلاص، خدمت بی‌منّت؛ به چه کسی؟ به یتیم و فقیر و اسیر؛ این اسیر، یعنی اسیر مسلمان بوده؟ بعید است آن وقت اسیر مسلمان [بوده باشد]. خدمت بی‌منّت؛ این درس است، پرچم فاطمه زهرا این است؛ یعنی قرآن این را بزرگ می‌کند. یا در آیه مباهله: وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُم؛ در حالی که اطراف پیغمبر زنان زیادی بودند- همسران پیغمبر بودند، نزدیکان دیگر پیغمبر بودند، شاید آن‌وقت بعضی از دختران دیگر پیغمبر [هم] بودند- امّا «نِساءنا» فقط فاطمه زهرا(س) است؛ برای چه؟ برای مواجهه جبهه حق با جبهه باطل؛ این [طور] است. فاطمه زهرا مظهر این حقایق والا و فوق‌العاده است. فضائل حضرت زهرا اینها است.... در آن آیه شریفه بحث طهارت است که یک مسئله فراتر از این حرف‌ها است؛ در آیه «هل أتی» مسئله خدمت بی‌منّت است؛ در آیه مباهله مسئله مقابله جبهه حق و جبهه کفر و باطل است؛ اینها است؛ اینها نشانه‌های مهمّ فاطمه زهرا(س) است.»(۱۴۰۰/۱۱/۰۳)

سَیّدَةُ نِساءِ اَهلِ الجَنّه

«پیغمبر اکرم در مورد حضرت زهرا تعبیر «سَیّدَةُ نِساءِ العالَمین» و «سَیّدَةُ نِساءِ اَهلِ الجَنّه» دارد؛ که این مهم‌تر است: سَیّدَةُ نِساءِ اَهلِ الجَنّه. همه زن‌های بهشتی: جناب ساره، جناب آسیه، جناب حوّا، جناب مریم، همه این زن‌های بزرگ تاریخ «نِساءِ اَهلِ الجَنّه» هستند؛ زن‌های بهشتند؛ این بزرگوار «سَیّدَةُ نِساءِ اَهلِ الجَنّه» است. اصلاً زبان انسان چطور بچرخد تا بتواند اینها را بیان کند و حقّش را ادا کند! اصلاً ذهن ماها هم خیلی احتیاج به تأمّل و تدقیق دارد تا این حقایق را درک کند.» (۱۴۰۰/۱۱/۰۳)

ارزش فاطمه زهرا(س) به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه زهرا(س) نبود، او صدیقه کبری نبود. صدّیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می‌شود صدّیق. این صدیق بودن به بندگی خداست.

شخصیتی همه‌جانبه

«در زندگی معمولی این بزرگوار، یک نکته مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک‌طرف و بین وظایف یک انسان مجاهد غیور خستگی‌ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم(صلّی‌الله‌علیه‌وآله) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضع‌گیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زند و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی‌ناپذیر و محنت‌پذیر و سختی تحمل‌کن است، از طرف دیگر. همچنین از جهت سوم، یک عبادتگر و بپادارنده نماز در شب‌های تار و قیام‌کننده لله و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می‌کند.

این سه بُعد را با هم جمع کردن، نقطه درخشان زندگی فاطمه زهرا(س) است. آن حضرت، این سه جهت را از هم جدا نکرد. بعضی خیال می‌کنند انسانی که مشغول عبادت می‌باشد، یک عابد و متضرّع و اهل دعا و ذکر است و نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال می‌کنند کسی که اهل سیاست است- چه زن و چه مرد- و در میدان جهاد فی‌سبیل‌الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمی‌تواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال می‌کنند اینها با هم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد؛ در شخصیت انسان کامل، کمک‌کننده هم است.» (۱۳۶۸/۰۹/۲۲)

به کوشش: کامران پورعباس

سیرهٔ خانوادگی حضرت فاطمه(س)

زهرا احمدی

تن والدین و گلی از گل‌های بهشت و باعث برکت و رحمت[17] است. پس تربیت و پرورش فرزند و ساختن روح و شخصیت او از وظایف و مسئولیت‌های بزرگ والدین است. نقش سازندهٔ مادر در تعیین سرنوشت کودک بسیار درخور توجه است تا آنجا که نقطه آغازین سعادت و شقاوت انسان‌ها را دامان مادر و محیطی که مادر مهم‌ترین رکن آن است، می‌دانند. در روضه‌الکافی به نقل از پیامبر اکرم(ص) آمده: «السّعیدُ مَن سَعدَ فِی بَطنِ اُمِّهِ وَ الشّقیّ مَن شَقِیَ فِی بَطنِ اُمِّه[18]؛ سعادت و شقاوت انسان در شکم مادرش تعیین می‌شود.»

حضرت زهرا(س) از همان آغاز کودکی فرزندانشان، عبادت خدای تعالی را در روح و روان ایشان تثبیت و آنان را برای کسب معارف تشویق می‌کردند. به عنوان نمونه به فرزندشان امام حسن(ع) که هفت ساله بودند، می‌فرمودند: «به مسجد برو، آنچه را از پیامبر شنیدی فراگیر و برای من بازگو کن.».

دانشمندان علوم تربیتی معتقدند کودکان در هر سنی به محبت و اظهار علاقه نیازمندند. حضرت(س) در روابط کلامی و محبت‌آمیز خود با خطاب مهربانانه، فرزندانش را «یا قرّه عینی» نور چشمم و «ثمره فؤادی» میوه دلم، صدا می‌کردند. همچنین به سفارش پیامبر(ص) بچه‌ها را دسته گل می‌دانستند[19] حضرت زهرا(س) رسیدگی و محبت به فرزندانشان را بر هر کار دیگری مقدم می‌داشتند و معتقد بودند نگهداری و پرورش فرزند، به هر کار دیگری سزاوارتر است. سلمان فارسی می‌گوید: «روزی حضرت(س) را دیدم که مشغول آسیاب کردن غله است. فرزندش حسین(ع) گریه و بی‌تابی می‌کرد. عرض کردم: برای کمک به شما، غله را آسیاب یا بچه را آرام کنم؟ حضرت فرمودند: من به آرام کردن فرزند اولی هستم. شما آسیاب را بچرخانید.»[20] پرورش روحیه نوعدوستی از دیگر روش‌های تربیتی فاطمه(س) در کودکان بود. روایت است که فرزندان فاطمه(س) همواره شاهد آن بودند که مادرشان به مردم کمک می‌کند و خود گرسنه می‌ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می‌کند.»[21]

از پاسدار اسلام، شماره ۴۲۱-۴۲۲

سلوک عارفانه

انسان‌های کامل و الگوهای رفتاری

شناخت فاطمه(س) و فرزندان او، صرفا به عنوان موجوداتی آسمانی و ملکوتی و مافوق انسان نیست که نتوان به ساحت وجودی و شخصیت آنان راه یافت، بلکه فاطمه و ذریه‌اش بسان «انسان‌هایی کامل» و «الگوهایی برجسته» برای دیگر انسان‌ها و حجت‌هایی از ناحیه خداوند برای هدایت جوامع بشری و راهنمایانی برای زندگی این جهانی معرفی شده‌اند.[1]

۱- نهج‌البلاغه، صبحی صالح، نامه ۴۵، ص ۴۱۷

چراغ راه

فلسفه امامت و پیروی از امام

قالت فاطمه‌الزهرا(س): «فجعل‌الله.... اطاعتنا نظاماً للمله و امامتنا اماناً للفرقه».

حضرت فاطمه(س) فرمود: خدا اطاعت و پیروی از ما اهل‌بیت(ع) را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸

حکایت خوبان

فاطمه(س)، الگوی همیشگی زنان

از پیامبراکرم(ص) سوال شد که آیا حضرت فاطمه (س) سرور و بزرگ زنان زمان خودشان هستند یا زنان همه عالمند؟ حضرت فرمودند: «فاطمه سیده نساءالعالمین من الاولین الی الاخرین» و بعد در ادامه فرمودند: «مریم کانت سیده نساء عالمها» فاطمه(س) سرور همه زنان عالم است از روز اول تا آخرین روز، اما حضرت مریم(س) سرور فقط زنان عصر خود بودند.[1]

۱- امالی، شیخ صدوق، ص۱۷۵

پرسش و پاسخ

فاطمه(س) الگویی جامع برای انسانیت و زنان

پرسش:

آیا حضرت فاطمه(س) می‌تواند بعد از ۱۴۰۰ سال الگویی دست یافتنی برای مقام انسانیت و زنان عصر حاضر و آینده باشد؟

پاسخ:

الگوی انسانی و زنانه

حضرت فاطمه(س) از آنجا که در خانه پدری تربیت شده که خود الگوی جامع انسانیت تا روز قیامت برای ابنای بشر بوده است، لذا در مکتب تربیتی پیامبر اکرم(ص) جامعیت الگویی را در دو سطح مقام انسانیت و مقام زنانه کسب کرده و رفتاری از سلوک انسانی و مقام زنانه از خود به نمایش می‌گذارد که از سوی خداوند به عنوان نمونه و سرمشق عینی و ملموس همه انسان‌ها در همه اعصار مطرح می‌شود و مصداق بارز یک انسان کامل که تجسم عینی آموزه‌های وحیانی است معرفی می‌گردد. لذا خدای متعال در سوره‌های احزاب و انسان ویژگی‌ها و خصلت‌هایی را درباره شخصیت حضرت فاطمه(س) مطرح می‌فرماید. مانند: ایثارگری، تقوا، صبر، انفاق‌گری، ایمان قوی، خلوص و کمک به فقرا و... که نشان می‌دهد حضرت فاطمه(س) در سطح مقام انسانی می‌تواند الگوی تمام‌نمای همه انسان‌های روی زمین در همه عصرها و نسل‌ها باشد. اما آن حضرت در سطح مقام زنانه، نمونه و الگوی راستین زنانی است که اصالت را به خانه و خانواده می‌دهند و تلاش در این راه را جهاد در راه خدا برمی‌شمارند.

این‌گونه است که حضرت فاطمه(س) همواره در کنار خانه و خانواده است و پیامبر گرامی(ص) وی را «ام ابیها» می‌نامد. بنابراین ترسیمی که قرآن کریم از حضرت فاطمه(س) به دست می‌دهد، بیانگر آن است که همه انسان‌ها به ویژه زنان به خوبی می‌توانند آن حضرت را الگو و سرمشق جامعی برای خود قرار دهند و در این تصویر و ترسیم الهی، حضرت فاطمه(س) در جایگاهی قرار نمی‌گیرد که دور از دسترس انسان‌های عادی و معمولی باشد، تا با این توجیه از پیروی و تأسی از آن بزرگوار پرهیز کنند و به دنبال الگوهای امروزی و به ظاهر عینی و ملموس‌تر باشند. در روایتی از امام زمان(عج) می‌فرماید: ان لی فی ابنه رسول‌الله(ص) اسوة حسنه» همانا در خصوص فرزند پیامبر(ص) آن حضرت برای من الگو هستند.(الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۶)

الگوی زندگی مشترک در خانواده

یکی از ویژگی‌هایی که باید در زندگی حضرت فاطمه(س) مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به عنوان الگو و سرمشق بانوان همه اعصار مطرح شود، نحوه زندگی مشترک آن حضرت با امام علی(ع) است. در اینجا برخی از مهم‌ترین شاخص‌های دست یافتنی این زندگی مشترک را مطرح می‌کنیم:

۱- قناعت و ساده‌زیستی

براساس آموزه‌های وحیانی قرآن، زندگی مشترک خانوادگی باید براساس احسان و کرامت و در چهارچوب عشق و محبت و مودت برای رسیدن به آرامش و سکون شکل گیرد.(روم- ۲۱) امام علی(ع) در خصوص چگونگی تعامل در زندگی مشترک می‌فرماید: به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه